



گفت‌وگویی «ایران» با «سید یاسر هاشم‌زاده» و «کامران جباری» گروه کارگردانی نمایش «سالخورده»

کشف زبان روی صحنه



به همراه یادداشت‌هایی از:
محسن خیمه‌دوز
محمدحسن خدایی
رضا آشفته
احسان گرایی
حامد اصغرزاده
نغمه‌قدیمی
و...

عکس: ایران‌تئاتر

کیان مفاخری | خبرنگار

گروه تئاتر «چرک نویس» از شهر بیجار (استان کردستان) امسال برای پنجمین بار در شش سال اخیر با نمایش «سالخورده» به نویسندگی باقر سروش و کارگردانی مشترک یاسر هاشم‌زاده و کامران جباری در جشنواره تئاتر فجر حضور دارد. چرک نویس یک گروه منسجم است که هسته اصلی تشکیل دهنده آن، تحصیلات آکادمیک تئاتر دارد. سرور ریخت اجراهای این گروه نشان می‌دهد که تمرین‌های طولانی‌ای برای کارهایشان داشته‌اند و تئاتر برای آنها باری به هر جهت و صرفاً حضور و شرکت در جشنواره‌ها نیست. نشان می‌دهد آنها مقهور مفهوم پوسیده «تئاتر شهرستان» نشده‌اند و با وجود فاصله فیزیکی طولانی با مرکز، در بطن تحولات تئاتر هستند و همیشه تجربه می‌کنند. «باقر سروش» نویسنده ثابت گروه است و با وجود اینکه ساکن بیجار نیست، اما رابطه‌اش را با گروه حفظ کرده است. حضور مستمر و متناوب این گروه در جشنواره تئاتر فجر امکان رصد کردن را فراهم می‌کند. نمایش «سالخورده» یکی از این امکان‌هاست.

■ در مورد گروه چرک نویس بگویید؟
یاسر: ما بیشتر از پانزده سال است که شکل گرفته‌ایم. همه جوان و تازه کار بودیم. دانشگاه هم رفته بودیم و می‌دیدیم تئاتر نه تنها در بیجار، بلکه در استان بی‌رغم شده است و...

■ کامران: البته بگوییم که سنت تئاتری در بیجار همیشه جان دار بوده است. اجرای عموم در بیجار همیشه جدی بود و مخاطب خاص خودش را داشت. یاسر: حالا ما این وسط می‌خواستیم هم کار تجربی کنیم، هم مخاطب را از دست ندهیم. کار اندکی سخت بود، چون مخاطب به تئاتر ژست و متن کلاسیک و کلام فاخر عادت کرده بود و حالا ما داشتیم ضد جریان عمل می‌کردیم.

■ کامران: البته این مسیر با غلامرضا همتیان و فارس باقری و حمید مرادپویی که از هنرهای زیبا آمده بودند شروع شده و جرقه‌اش زده شده بود، اما آنها به نوعی رفته بودند. باقر سروش که هنرهای زیبا قبول شد به ما پیوست و متصل و پیوسته برای ما متن نوشت. ارتباط با دوستان پیوسته باقی ماند، بخصوص افرادی مثل فارس باقری که استاد دانشگاه بود و در بطن تئاتر روز قرار داشت و همیشه به گروه ما مشاوره می‌داد.

■ چرا فقط با باقر سروش کار می‌کنید و کمتر از نمایشنامه‌های دیگران کار کرده‌اید؟
کامران: البته از فارس باقری، با پیام لاریان یا پویا سعیدی هم کار کرده‌ایم. اما پروسه با باقر چیزی است که ما با آن بهتر جلو رفته‌ایم. باقر چون فضا را می‌شناسد و بیچار زندگی کرده، بستر را خوب می‌شناسد. او به‌طور اختصاصی برای اجرا در بیجار می‌نویسد...

■ یاسر: نه به این معنا که اجرا با خصایص بومی بنویسند، نه. او جهان مخاطب ما را می‌شناسد. در انتخاب تم و موضوعش دقیق‌تر است، مثلاً به هیچ‌وجه متنی که فضای آن آپارتمانی باشد برای ما نمی‌نویسد چون ما هنوز پیشین این جشنواره هم به‌دلیل انعکاس فرهنگ جمهوری آذربایجان است و هم به خاطر اشتراکات فرهنگی

■ یاسر: اگر سراغ شاه‌لیر می‌رود، تا جایی که جا دارد پرهیز می‌کند از گفتن جغرافیای متن. اگر در «پستو» سراغ یک خانواده می‌رود که هر کسی از جایی آمده، جاها را نمی‌گوید. خلاصه اینکه اینها هم برای باقر مهم است، هم برای ما و در موردش ساعت‌ها گپ زدیم...»

■ یاسر: مثلاً امسال در جاده دیوان دره به بیجار تصادف زیاد اتفاق افتاده بود و آدم‌های زیادی کشته شده بودند. توی جشنواره استانی همه راجع به این موضوع حرف می‌زدند. باقر گفت کار سال بعد راجع به یک جاده است که تصادف در آن زیاد است. همه دوست داشتیم ایده را. بعد ایده‌پردازی کردیم...»

■ کامران: حالا اگر آن جاده توی متن باقر یا توی اجرا بیاید، قطعاً جغرافیای واضح نخواهد داشت، اما برای مخاطب آشنا خواهد بود. مخاطب آن آمیبانوس را دریافت خواهد کرد با آن که ساخت آن آمیبانوس سخت است.

■ شیوه کاری شما به چه شکل است؟
کامران: ما تمرین زیاد می‌کنیم. برای سالگردگی هشت ماه، روزی چهار الی پنج ساعت تمرین کردیم. تمرین معجزه می‌کند. مهم‌ترین مرحله برای ما گذر کردن از کارکرد اطلاعات متن است. اینکه مخاطب فقط شنونده رشد و پیشرفت قصه نباشد. اینجاها ما بیشتر می‌ایستیم. یاسر: ساخت آن آمیبانوس‌ها گاهی فرسایشی می‌شود، اما می‌دانیم جای درست آنجاست.

■ کامران: ما یک هسته اصلی ثابت داریم که با این شیوه آشناست. هر سال هم تعدادی بازیگر جدید داریم. پروسه اصطکاک ما با متن و ایده اجرایی، پروسه‌ای آموزشی است. برای بازیگرهای جدید می‌شود. در این پروسه، بازیگرهای جدید قطعاً پرسش‌هایی دارند که حتی با ساده بودن می‌تواند چالش برانگیز باشد...»

■ یاسر: گاهی همین پرسش‌های ساده مثل آب یخ است روی سر ما. واقعاً چکار داریم می‌کنیم. برای چی تئاتر کار می‌کنیم؟ اصلاً برای مخاطب این پروسه مهم است؟
کامران: و دوباره ما هستیم و سؤال اساسی که چرا تئاتر کار می‌کنیم و دوباره کشف چرایی کار کردن و در خلال آن دوباره بازخوانی نسبت اجرا با مخاطب و مفاهیم پایه‌ای و...
■ در مورد مخاطب در بیجار بگویید؟
کامران: همیشه در بیجار تئاتر وجود داشته، همچنان که همیشه مخاطب وجود دارد. از خیلی پیشتر از اینها تا زمان افرادی مثل فرهاد اصلانی، سعید آفاخانی، علیرضا و غلامرضا همتیان، حمید مرادپویی و باقر سروش. این دوستان همه آکادمیک بودند و مانند ما همین پروسه مخاطب شناسی را داشته‌اند.
یاسر: مثل همه جا البته این مخاطب یک مفهوم عام نیست. بسته به نوع اجرا، نوع او هم تغییر می‌کند، به‌طور مثال در اجراهای ما به زبان کردی مخاطب بیشتری داریم، تا جایی که اتفاق افتاده سی روز اجرا برویم.

■ یاسر هاشم‌زاده: تئاتر کردی برای ما شکل تجربی داشت. کشف آن زبان روی صحنه، انتخاب متن‌ها و فضاهای مناسب برای آن زبان و خیلی چیزهای دیگر فضا را به سمتی برد که فی‌المثل هنرمندی چون غلامرضا همتیان اولین کسی بود که این کار را کرد.

■ یاسر: گاهی همین پرسش‌های ساده مثل آب یخ است روی سر ما. واقعاً چکار داریم می‌کنیم. برای چی تئاتر کار می‌کنیم؟ اصلاً برای مخاطب این پروسه مهم است؟

■ کامران: و دوباره ما هستیم و سؤال اساسی که چرا تئاتر کار می‌کنیم و دوباره کشف چرایی کار کردن و در خلال آن دوباره بازخوانی نسبت اجرا با مخاطب و مفاهیم پایه‌ای و...»

■ کامران: همیشه در بیجار تئاتر وجود داشته، همچنان که همیشه مخاطب وجود دارد. از خیلی پیشتر از اینها تا زمان افرادی مثل فرهاد اصلانی، سعید آفاخانی، علیرضا و غلامرضا همتیان، حمید مرادپویی و باقر سروش. این دوستان همه آکادمیک بودند و مانند ما همین پروسه مخاطب شناسی را داشته‌اند.

■ یاسر: مثلاً امسال در جاده دیوان دره به بیجار تصادف زیاد اتفاق افتاده بود و آدم‌های زیادی کشته شده بودند. توی جشنواره استانی همه راجع به این موضوع حرف می‌زدند. باقر گفت کار سال بعد راجع به یک جاده است که تصادف در آن زیاد است. همه دوست داشتیم ایده را. بعد ایده‌پردازی کردیم...»

■ کامران: و دوباره ما هستیم و سؤال اساسی که چرا تئاتر کار می‌کنیم و دوباره کشف چرایی کار کردن و در خلال آن دوباره بازخوانی نسبت اجرا با مخاطب و مفاهیم پایه‌ای و...»

برای تئاتر شهرستان سی روز خیلی زیاد است. کامران: این را هم بگوییم تئاتر با زبان کردی برای گروه چرک‌نویس هم خیلی مهم است. این موضوع در نسل‌های قبل از ما نبوده و اگر بوده به نوعی کارکرد طنز داشته است. ما می‌خواستیم جدی وارد این حوزه بشویم، البته در دیگر شهرها تئاتر کردی فعال بود و سابقه داشت... غلامرضا همتیان اولین کسی بود که این کار را کرد.

■ کامران: در ادامه چالش مواجهه با مخاطب در این اجرا برای ما مهم شد و اسم سالخورده‌گی هم به این دلیل انتخاب شد و پیشنهاد کامران بود.

■ کامران: در ادامه چالش مواجهه ما با یک کار کلاسیک بود. چالش نوع ژست در بازی این متن، چالش ساختن آمیبانوس با آن ژست‌ها. چالش رفتن یا نرفتن به سمت فرم. میزان استفاده از فرم و همه آن چیزی که به‌طور قطع در هر گروه و در مواجهه با هر متنی وجود دارد.

■ در رابطه با فرایند حضورتان در تئاتر فجر توضیح دهید.

کامران: سخت، جاتگاه و در مسیر فرسایشی. رقابت در جشنواره استانی، بعد منطقه‌ای و حالا هم به‌خاطر کرونا فقط قرار است دو روز در جشنواره باشیم. یعنی عملاً خستگی به جان گروه ماند.

یاسر: من این قانون را واقعاً نمی‌فهمم. چطور است در تهران همه اجراها تا قبل از جشنواره فول می‌رود؛ به جشنواره که می‌رسد اینقدر سختگیرانه می‌شود.

■ کامران جباری:

در ادامه چالش مواجهه ما با یک کار کلاسیک بود. چالش نوع ژست در بازی این متن، چالش ساختن آمیبانوس با آن ژست‌ها. چالش رفتن یا نرفتن به سمت فرم. میزان استفاده از فرم و همه آن چیزی که به‌طور قطع در هر گروه و در مواجهه با هر متنی وجود دارد.



سفیر جمهوری آذربایجان در حاشیه نمایش «تایک نفس»:

به امید افزایش ارتباطات میان دو کشور

نمایش «تایک نفس» به کارگردانی سمیر غلام‌فام که از کشور آذربایجان در چهلمین دوره جشنواره تئاتر فجر شرکت دارد، با سخنان سفیر این کشور در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت. او در آغاز به نمایشی از سفارت جمهوری آذربایجان به حاضران خیرمقدم گفت و به دو اصل مهم در نمایش «تایک نفس» به کارگردانی سمیر غلام‌فام که از کشور آذربایجان در چهلمین دوره جشنواره تئاتر فجر شرکت دارد، با سخنان سفیر این کشور در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت. او در آغاز به نمایشی از سفارت جمهوری آذربایجان به حاضران خیرمقدم گفت و به دو اصل مهم در

دو کشور. ضمن اینکه اجرای نمایش «تایک نفس» در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی نویدبخش افزایش ارتباطات میان دو کشور است. «علی‌عزیزاده با اشاره به اینکه نمایش «تایک نفس» کاری از تئاتر دولتی موزیکال جمهوری آذربایجان است، افزود: این نمایش روایتگر جنگ ۴۴ روزه آذربایجان است. او این پیروزی را نه تنها متعلق به مردم آذربایجان بلکه متعلق به عموم ملل

مسلمان دانست و گفت: «ما این شعف را احساس کردیم». سفیر جمهوری آذربایجان افزود: «نمایش «تایک نفس» نشانگر ایثار و رشادت‌های سربازان و جانبازان جنگ است که توسط یک گروه نمایشی روی صحنه رفته است.» علی‌عزیزاده در پایان سخنان خود گفت: «ما همیشه پشتیبان سربازان خود در جنگ بوده‌ایم و با روایت رشادت‌های آنها یادشان را زنده نگه می‌داریم و برعهده داشت.

